



نظام سیاسی

پارلمان اتریش

«حقوق اساسی^۱» اتریش متشکل از «قانون اساسی فدرال^۲» و تعدادی چند از قوانین «متمم اساسی^۳» و قراردادهای کشوری است. برخی از قسمت های این قانون اساسی متعلق به دهه 60 قرن نوزدهم می باشد.

قوانین اساسی فدرال B-VG بازمانده از سال 1920 با تغییرات انجام پذیرفته در سال 1929 قسمت اصلی قانون اساسی فدرال اتریش را تشکیل می دهند.

قابل توجه است که انقلاب مردمی سال 1848 و لیبرالیسم سیاسی از سال 1867 موجب دگرگونی و توسعه قابل توجه در قانون اساسی شده اند.

دوران بعد از جنگ جهانی اول و اصول دموکراسی پارلمانی تأثیرات بسیاری بر روی قانون اساسی سال (1920) گذاشته اند. همچنین پس از تغییرات مهم سال 1925، قانون اساسی فدرال در سال 1929 تحت فشار «حمایت از میهن»-هیئات وهرن- فاشیست تغییر کرد بطوری که قدرت رئیس جمهور در برابر پارلمان بیشتر شد. از آن پس رئیس جمهور توسط مردم انتخاب می شد و دارای مسئولیت های بیشتری بود.

در 4 مارس 1933 در پی یک استیضاح پیرامون نحوه اجراء قوانین و همچنین اغتشاشات ناشی از آن که در پارلمان بوجود آمد، دولت موقعیت را مغتنم شمرده و «شورای ملی» را منحل کرد. در خواست تشکیل مجدد شورای ملی توسط رئیس سوم «سپ شترافنر»⁴ که برای روز 15 مارس 1933 پیشنهاد شده بود، توسط پلیس و دولت سرکوب شد.

صدراعظم اتریش و دولتش اعلام کردند که پارلمان به دست خود خلع شده است و ارائه هر گونه استیناف از سوی نمایندگان سوسیال دمکرات به «دیوان عالی قضایی»⁵ غیر ممکن شد چرا که تمام نمایندگان سوسیال مسیحی در دادگاه مجبور به کناره گیری گردیدند و از این رو دادگاه نیز با فقدان توانایی عملاً موجب لغو قانون اساسی شد و در تاریخ 30 آوریل 1934 این قانون اساسی دمکراتیک توسط یک پارلمان اضطراری لغو شد و در اول مه 1934 قانون اساسی جدید حکومت صنفی اعلام شد.

بنابراین دولت دلفوس تبدیل به یک دولت استبدادی و تا حدی با ساختار صنفی گردید که با اشغال اتریش در 13 مارس 1938 و الحاق اتریش به رایش آلمان به کلی نابود شد.

بعد از آزادی اتریش در سال 1945، حکومت موقت قانون اساسی سابق یعنی قانون قبل از سال 34-1933 را با اضافه کردن قوانین موقت مورخ اول مه 1945 مجدداً به جریان انداخت.

در «قرارداد کشور وین» از سال 1955 قید شد: متفقین و متحدین اتریش را به عنوان یک کشور



اعلام آزادی اتریش پس از امضاء قرارداد کشور

مستقل، خودمختار و دموکراتیک به

رسمیت می‌شمارند.

در حین امضاء این قرارداد، اعلام بی‌طرفی دائمی اتریش همیشه در مد نظر بود و این امر موجب تسریع تصویب قرارداد شد. در تاریخ 26 اکتبر 1955 طی یک ماده قانون اساسی فدرال بی‌طرفی اتریش تصویب شد ولیکن این بی‌طرفی در قرارداد دولت با متحدین و متفقین قید نشده است. در اول ژانویه 1995، اتریش پس از یک انتخاب مردمی به اتحادیه اروپا پیوست. در این ساختار قوانین اتحادیه اروپا بر قوانین ملی، حتی بر قانون اساسی اولویت پیدا کردند. تنها مورد استثناء اصول پایه قانون اساسی می‌باشند.

بنیاد حقوقی قانون اساسی کشور

قوانین اساسی فدرال B-VG و 400 قانون متمرکز و مجموعه بنیاد حقوقی را تشکیل می‌دهند. این اصول پایه بطور رسمی در قانون اساسی مشخص نشده اند و قابل هرگونه تفسیر می‌باشند.

چارچوب این تفسیر را از لحاظ کلی می‌توان در اهداف بنیادی کشور و از لحاظ رسمی در میزان تغییرات کلی وارده در قانون اساسی فدرال بیان کرد.

هرگونه تغییر کلی در قانون اساسی فدرال احتیاج به رای گیری مردم فدراسیون دارد و در نهایت دیوان عالی قضایی تصمیم می‌گیرد که آیا تغییرات وارده، تغییرات کلی را به همراه دارند و یاخیر؟

اصول تغییر ناپذیر قانون اساسی فدرال اتریش، اصل دموکراسی، اصل جمهوری، اصل حکومت فدرالی و اصل قانونمندی می باشند.

ماده یک B-VG / اصل دموکراسی را چنین بیان می کند: «اتریش یک جمهوری دموکراتیک است و منبع قانون مردم هستند.» در بیشتر تصمیمات امر «تشخیص مصلحت» رایج است: منظور اینکه یک گروه و یا سازمان منتخب مردمی تصمیم های لازمه را جای ملت می گیرد. قابل توجه است که «حقوق اساسی اتریش» راه هائی را نیز برای تأمین دموکراسی مستقیم پیشنهاد می کند. از آن جمله می توان از همه پرسی و طومارهای دسته جمعی نام برد.

اصل جمهوریت نظام حکومتی بویژه در زمان برکناری سلطنت اهمیت به سزایی داشت و منظور از آن این بود که در صدر کشور و دولت یک رئیس جمهور منتخب قرار می گیرد.

اصل حکومت فدرالی در ماده دوم بند یک B-VG قید شده است، با این عنوان که: «اتریش یک فدراسیون است»، این اصل بیانگر این است که کشورها به عنوان ایالت زیرمجموعه ای از کل کشور هستند. البته نظام حکومت فدرالی در اتریش آن چنان قوی نیست.

اصل قانونمندی در حکومت در ماده 18 بند 1 و 2 B-VG آمده است: «کل حکومت و اداره دولت فقط بر مبنای قانون میسر است.»

موارد دیگری نیز در قانون اساسی یافت می شوند که تغییر آنها با تغییر کلی برابر است. از این جمله می توان از اصل تجزیه قوا، اصل استقلال، تحریم الحاق (که در طی ماده 3 و 4 قرارداد کشور 1955 آمده است)، دموکراسی چندقزبی و ممنوعیت هرگونه فعالیت ناسیونال سوسیالیستی و فاشیستی نام برد.

حقوق و آزادی اساسی

حق آزادی و تأمین دیگر حقوق انسان ها در قانون اساسی اتریش هم در دوران گذشته و هم در حال حاضر دارای ارزش خاصی بوده اند. در سال 1920 به هنگام تصویب قانون اساسی که بر مبنای اصول جمهوری خواهانه بنا شده بود، قوانینی پیرامون حقوق و آزادی های مردم از سال 1867 به آن اضافه کردند. بیشتر این حقوق پایه، شامل حال نه تنها اتریشی ها بلکه همچنین بیگانگان و بی وطنان نیز می شود و از این رو جزء حقوق بشر هستند. از این جمله می توان از آزادی فردی، حق برخورداری از وکیل قانونی، مصونیت نامه ها در گشوده شدن، آزادی بیان، آزادی رسانه ها، حق آزادی انتخاب مذهب و آزادی تعلیم و تعلم نام برد. قرارداد حقوق بشر از سال 1958 در اتریش معتبر است و در سال 1964 بطور کل با قانون اساسی همتراز شد.

این قرارداد دارای حقوق ذیل است:

حق زندگی، ممنوعیت شکنجه و جرائم ضد بشری و تحقیرآمیز، ممنوعیت بیگاری، ممنوعیت تبعید تابعان کشور اتریش، آزادی

مهاجرت، احترام به زندگی شخصی و خانواده،
حق و آزادی ازدواج، حمایت از اقلیت ها.
همچنین در قرارداد « سنت ژرمن» از سال
1919 و در «قرارداد کشور وین» از سال
1955 این قوانین قید شده اند.

سیستم حکومتی

انتخابات

تمام سازمان های سیاسی که طبق قانون اساسی
تأسیس می گردند، به طور مستقیم و یا
غیرمستقیم از طریق یکی از سه انتخابات تعیین
می شوند.

توسط این سه گزینه «شورای ملی» یعنی
مجلس مردمی پارلمان، رئیس جمهور و نه
مجلس ایالتی (پارلمان ایالات) انتخاب می شوند.
تمام شهروندان اتریش که به سن 18 سالگی
رسیده اند، حق رأی دارند.

به غیر از این سه دوره انتخابات، انتخابات
حوزه ای دیگری نیز در کشور اتریش وجود
دارد که در آنها شهروندان اتحادیه اروپای ساکن
در اتریش نیز اجازه شرکت دارند. انتخاب
نمایندگان اتریش در پارلمان اروپا نیز از جمله
انتخابات اتریش است.

گذشته از انتخابات راه های دیگری نیز همچون
رفراندوم، همه پرسی و درخواست همه پرسی
برای اجرای دموکراسی مستقیم وجود دارند.
تاکنون تنها دو بار در اتریش رفراندوم انجام
پذیرفته است. اولین بار در سال 1978 در مورد
استفاده از نیروگاه اتمی «تسونتن درف» و
دومین بار در سال 1996 در خصوص مسئله
ورود به اتحادیه اروپا بوده است.

بین سال های 1961 تا 1965 یک همه پرسی انجام گرفت و در بین سال های 1996 تا 1999 تعداد این همه پرسی ها به هفت مورد رسید و تاکنون 24 همه پرسی در این کشور صورت پذیرفته است.

انتخابات شورای ملی هر چهار سال و یا پس از اینکه ضرورت برگزاری انتخابات به تصویب شورای ملی رسید (تصویب از طرف خود) در فواصل کوتاهتر برگزار می شوند.

رئیس جمهور فدرال

رئیس جمهور مستقیماً بوسیله مردم انتخاب می شود. در صورتی که یکی از نامزدان انتخاباتی حداکثر مطلق آراء را کسب نکند، بین 2 نامزد که بیشترین رأی را کسب نموده اند، مجدداً انتخابات برگزار می شود. مدت زمان حکومت رئیس جمهور 6 سال می باشد و انتخاب مجدد او برای دور دوم نیز مجاز است. به طور کلی امکان برکناری رئیس جمهور وجود دارد ولیکن این امر تاکنون بوقوع نپیوسته و انجام آن نیز از لحاظ اجرایی تقریباً غیرممکن است. چرا که برای خلع او نیاز به رأی گیری و اخذ اکثریت آراء (بیش از دو سوم) در «شورای ملی» و اکثریت آراء در «مجمع فدرال»⁶ که متشکل از شورای ملی و «شورای فدرال»⁷ است، می باشد. رئیس جمهور کشور عملاً در حاشیه انجام امور دولتی قرار دارد چرا که صرفاً وظایف او در حول محور عزل و نصب دولت و پارلمان بوده و تنها به درخواست هیئت دولت فعال می شود. در این زمینه مهمترین نقش رئیس جمهور برقراری روابط با کشورهای دیگر می باشد. البته رئیس جمهور حق «خیر»

گفتن و امتناع از پیگیری توصیه های دولت را نیز دارد.

رئیس جمهورهای اتریش		
سال	رئیس جمهور	
	Karl Renner	کارل رنر 1950-1945
1957-1951	Theodor Körner	تئودور کورنر
1965-1957	Adolf Schärf	آدولف شرف
1974-1965	Franz Jonas	فرانتس یوناس
1986-1974	Rudolf Kirchschäger	رودلف کیرخ شلگر
1992 - 1986	Kurt Waldheim	کورت والداهیم
از 1992	Thomas Klestil	توماس کلستیل

شورای فدرال

اعضاء شورای فدرال توسط شوراهای ایالات به تناسب آراء انتخاب می شوند و بین 5 تا 6 سال به وظیفه خود اشتغال دارند.

ارگان های مرکزی سیستم سیاسی

قانونگذاری و پارلمان

سیستم حقوقی اتریش بر اصل قانونگذاری بنیان گذارده شده است (B-VG:18) در حال حاضر قریب 60% کل لوایح کشور طبق آنچه در سطح بین المللی نیز مرسوم است از ناحیه هیئت

دولت صادر می شوند. البته لوایح شورای ملی نیز دارای ارزش بسیار هستند.

دیگر اقدامات حقوقی که منجر به صدور دستورالعمل از طرف شورای فدرال می شود از لحاظ تعداد دارای ارزش آنچنانی نیستند. پیشنهادات وزارت خانه های مربوطه معمولاً طی گفتگوهای غیررسمی با بعضی سازمان ها و نهادها صورت می گیرند.

بطور کل منظور از این سازمان ها «نهادهای اجتماعی»^۸ هستند که در آلمانی «شرکای اجتماعی» نامیده می شوند و وظیفه شان رسیدگی به حقوق گروه های خاص اجتماعی است. از این قبیل می توان از اتحادیه های گوناگون همچون اتحادیه کارگران و کارمندان، اتاق اقتصاد اتریش، سازمان کشاورزی و اتاق کار فدرال نام برد. پس از بررسی های لازم، لوایح از طرف وزارت خانه مسئول به هیئت دولت ارائه می شود.

از آنجایی که لایحه باید مورد موافقت همه وزراء قرارگیرد، لایحه بایستی هم از لحاظ سیاسی (یعنی بین احزاب مختلف دولت) و هم از لحاظ وزارت خانه (بین وزارت خانه های مسئول مختلف) مورد قبول باشد.

بعد از پذیرش لایحه توسط هیئت دولت، لایحه به شورای ملی کشور ارجاع می شود و در آنجا با حضور نهادهای اجتماعی، هیئت دولت و متخصصین در صورت نیاز تغییراتی در لوایح صورت می گیرند. برای تصویب یک لایحه حضور یک سوم از نمایندگان لازم است و بطور کلی حداکثر آراء باید کسب شود. هم چنین برای تصویب بعضی تغییرات در قانون اساسی

و قانون مدارس احتیاج به اکثریت بیش از دو سوم آراء می باشد.

«شورای فدرال» در مقابل تصویب «شورای ملی» در طی 8 هفته حق اعتراض دارد. در صورتی که شورای فدرال برضد مصوبه اعتراض کند، شورای ملی حق رأی گیری مجدد در پارلمان را دارد و اعلام «استمرار و پافشاری بر مصوبه» می کند.



سالن شورای سلطنتی قدیم در پارلمان

پس از تصویب پارلمان و اعلام در «مجله قانون فدرال» مصوبه توسط رئیس جمهور مورد بررسی قرار می گیرد و سپس توسط صدراعظم و وزیر مربوطه امضاء می شود. رئیس جمهور تنها عدم مغایرت مصوبه با قانون اساسی را بررسی می کند (ماده 47 B-VG). «شورای فدرال» هیچگونه حق اعتراضی در ارتباط با امور مالی و بودجه ندارد. تصویب یک لایحه، تبدیل آن به یک قانون و اجرای آن توسط دولت فدرال تحت چند مرحله انجام می گیرد.

- کنترل سیاسی که توسط پارلمان و بویژه توسط احزاب مخالف صورت می گیرد.
- کنترل حقوقی که توسط دیوان عالی قضایی انجام می شود.
- کنترل مالی پیرامون اجرای قانون که توسط دیوان مالی و دارایی انجام می پذیرد.

- کنترل «نایسامانی» که توسط دادستان مردمی جامه عمل پوشانده می شود و رسیدگی به حقوق شهروندان نموده و مراجع دولتی و شورای ملی را در رابطه با کمبودها و نقص ها گوشزد می کند



مجلس شورای ملی

هیئت دولت فدرال

رئیس جمهور، صدراعظم و وزرای توصیه شده توسط صدراعظم را نصب می کند. رئیس هیئت دولت وظیفه دارد که اعضای کابینه خود را تا یک هفته پس از انتصاب، به «شورای ملی» معرفی کند. در این موقعیت و یا هر زمان دیگری شورای ملی می تواند نسبت به دولت و یا یکی از اعضای دولت رأی عدم اعتماد بدهد و او را از کار برکنار کند. معمول است که رئیس جمهور از دخالت در تعیین دولت خودداری کند و دولت از حزبی که بیشترین نماینده در پارلمان را داراست و حزبی که با آن به توافق رسیده است، تشکیل می شود. در قانون اساسی اتریش این عمل رئیس جمهور مشهور به «انصراف از ایفاء نقش⁹» است. صدراعظم و یا دیگر اعضای هیئت دولت می توانند توسط رئیس جمهور از کار برکنار شوند، هر چند که تا به حال چنین اتفاقی رخ نداده است، البته رئیس جمهور

موظف است که در شرایط خاص، حامی
تحکیم و استمرار دولت باشد.

دولت های اتریش از سال 1945			
دولت	آغاز حکومت	پایان حکومت	ائتلاف
رنر KPÖ	1945/4/27 Renner	1945/12/20	SPÖ-ÖVP-
فیگل 1 KPÖ	1945/12/20 Figl	1947/11/20	ÖVP-SPÖ-
فیگل 2 SPÖ	1947/11/20	1949/11/8	ÖVP-
فیگل 3	1949/11/8	1953/4/2	ÖVP-SPÖ
راب 1	1953/4/2 Raab	1956/6/29	ÖVP-SPÖ
راب 2	1956/6/29	1959/7/16	ÖVP-SPÖ
راب 3	1959/7/16	1961/4/11	ÖVP-SPÖ
گرباخ 1	1961/4/11 Gorbach	1963/3/27	ÖVP-SPÖ
گرباخ 2	1963/3/27	1964/4/2	ÖVP-SPÖ
کلاوس 1	1961/4/11 Klaus	1963/3/27	ÖVP-SPÖ
کلاوس 2	1963/3/27	1964/4/2	ÖVP
کرایسکی 1	1970/4/21 Kreisky	1971/11/4	SPÖ
کرایسکی 2 SPÖ	1971/11/4	1975/10/28	
کرایسکی 3 SPÖ	1975/10/28	1979/6/5	
کرایسکی 4 SPÖ	1979/6/5	1983/5/24	
سینوواتس	1983/5/24 Sinowatz	1986/6/16	SPÖ-FPÖ
فرانیتسکی 1	1986/6/16 Vranitzky	1987/1/21	SPÖ-FPÖ
فرانیتسکی 2	1987/1/21	1990/12/17	SPÖ-ÖVP
فرانیتسکی 3	1990/12/17	1994/11/29	SPÖ-ÖVP
فرانیتسکی 4	1994/11/29	1996/3/12	SPÖ-ÖVP

SPÖ-ÖVP	1997/1/28	1996/3/12	فرانیتسکی 5
SPÖ-ÖVP	2000/2/4	1997/1/28	Klima کلیما

جمهوری دوم اتریش شاهد ائتلاف های گوناگونی بوده است.

بین سال های 1945-47 دولت متشکل از همه احزاب بوده است و پس از آن ائتلاف کبیر از دو حزب ÖVP و SPÖ صورت گرفت که تا سال 1966 حاکم بود. در این سال ÖVP به اکثریت مطلق نمایندگان دست یافت و حکومت تک حزبی خود را اعلام کرد.

در سال 1970 حزب SPÖ اکثریت نسبی را کسب کرد که به علت درگیری های سیاسی بین احزاب (همچون FPÖ-SPÖ-ÖVP) و یا به علت عدم توافق در مذاکرات (ÖVP-SPÖ) موفق به تشکیل یک دولت اقلیتی شد که در پارلمان توسط حزب FPÖ حمایت می شد. در سال 1971 انتخابات مجددی رخ داد که نتیجه اش بوجود آمدن حکومت اکثریتی بود. در طی این انتخابات حزب SPÖ به اکثریت مطلق دست یافت و این حزب توانایی حفظ این اکثریت مطلق را تا سال 1979 نشان داد. در سال 1983 حزب SPÖ پنج نماینده خود را در شورای ملی از دست داد و از این رو مجبور به تشکیل یک ائتلاف کوچک با حزب FPÖ شد.

در سال 1986 این ائتلاف به علت تغییراتی که در رهبری حزب FPÖ پیش آمد، متلاشی شد. در طی انتخابات همان سال، مجدداً ائتلاف بزرگی تحت ریاست حزب SPÖ شکل یافت. بعد از انتخابات «شورای ملی» در 3 اکتبر 1999 به علت عدم توافق احزاب SPÖ و ÖVP، احزاب ÖVP با FPÖ با یکدیگر ائتلاف کردند.

طبق ماده 69 B-VG، قانون اساسی کشور اختیارات قوه مجریه فدرال را بطور کلی تا آنجا که تضعیف حقوق رئیس جمهور نباشد، به هیئت دولت انتقال می دهد. مهمترین وظیفه هیئت دولت تصویب و تهیه لوایح است. هر یک از وزراء حق «وتوی» هر یک از لوایح و مصوبات را داراست یعنی اینکه هر قانون باید به اتفاق آراء تصویب شود.

طبق حقوق صدراعظم، او حق صدور دستورالعمل نسبت به دیگر وزرای کابینه را ندارد، هر چند که در حقیقت حوزه اختیارات او از سایرین بیشتر است. طبق قانون اساسی، او حق پیشنهاد نصب و عزل اعضاء هیئت دولت توسط رئیس جمهور را دارد، حقیقت این است که در موارد فوق حقوق صدراعظم به دلیل وجود معاونش که معمولاً رئیس حزب دیگر است، محدود می گردد.

ترکیب هیئت دولت فدرال

ترکیب هیئت دولت فدرال کشور آتریش از شخصیت های ذیل شکل می گیرد:

- صدراعظم • معاون صدر اعظم (وزیر تربیت بدنی)
- وزیر محیط زیست، کشاورزی، جنگل بانی و آب • وزیر دارایی
- وزیر اقتصاد و کار • وزیر دادگستری • وزیر آموزش و پرورش
- وزیر راه و ترابری، تکنولوژی و نوآوری • وزیر کشور
- وزیر تأمین اجتماعی و نسل ها • وزیر امور خارجه
- وزیر دفاع

حکومت در ایالات

در ایالات کشور اتریش حکومت در دست «دولت ایالتی» است. این نظام اداری در اکثر ایالات کشور به غیر از فورالبرگ، سالزبورگ و تیرول برقرار است. از نمایندگان احزاب حاضر در «شورای ایالتی¹⁰»، «رئیس ایالت¹¹» در رأس این دولت قرار دارد. او همچون صدراعظم سمت ریاست نسبت به دیگر اعضای «شورای ایالتی» که در اتریش «نمایندگان ایالتی¹²» خوانده می شوند را ندارد و در مسائل مهم ایالت «شورای ایالت» به اتفاق تصمیم می گیرد و «رئیس ایالت» ارگان اجرائی ایالت می باشد و از طرفی از هیئت دولت دستور دریافت می کند و از طرف دیگر خود اشراف به دیگر نمایندگان ایالتی دارد.

قوه قضائیه

قوه قضائیه از 150 سال پیش در اتریش به عنوان یکی از قوای کشوری پذیرفته شده است. دادگاه های اتریش طبق قانون اساسی کاملاً مستقل هستند و قضات این کشور ضمن انجام وظایف خود به هیچ مقام دستوری وابستگی ندارند و قابل عزل نیز نیستند.

به موازات دادگاه های مدنی و جزایی، «دیوان عالی قضایی¹³» و «دیوان عالی اجرایی¹⁴» نیز به عنوان دادگاه های حقوق عمومی فعالیت دارند.

«دیوان اجرایی» بر ابلاغ های صادره از ادارات اجرایی پیرامون تطابق آنها با قوانین نظارت می کند و «دیوان قانون اساسی» از طرفی با توجه به حقوق خاص خود قادر به

ابطال انتخابات و یا زیر سؤال بردن ارگان های مهم دولتی است و از طرف دیگر وظیفه دارد تا صحت تطابق قوانین مصوب با قانون اساسی و یا ابلاغ ها و دستورالعمل های قضایی با قوانین را اعلام کند.

یکی از ویژگی های قوه قضائیه در اتریش ایفای نقش افراد شخصی در دادگاه های اجتماعی، دادگاه های تجاری و کاری می باشد. بدینسان افراد عامی نیز در مورد امور قضاوت نقش مؤثری در دادگاه های جزایی ایفا می کنند.

در اتریش دو گونه هیئت منصفه وجود دارد. در گروه اول¹⁵ هم افراد با کفایت حقوقی و هم افراد عامی پیرامون گناه و جزای دیگران تصمیم می گیرند. در گروه دوم که «هیئت منصفه عامی¹⁶» نامیده می شود، فقط افراد عامی حضور دارند.

هیئت حقوق بشر اروپا EMRK¹⁷ تأثیرات بسیاری بر قوانین اتریش دارد. در این کشور به مدت طولانی، قانون اساسی بالاترین سطح قانونی درون کشوری بود. این رتبه بندی شامل قانون اساسی، قوانین و دستورالعمل های قضایی، احکام و ابلاغ های صادره می شود.

با ورود اتریش به اتحادیه اروپا به این سطوح گوناگون قانونی، حقوق فراکشوری نیز اضافه شدند. دادگاه های مهم درون کشوری در اتریش دیوان قانون اساسی، دیوان اجرایی و دیوان عالی کشور¹⁸ می باشند. در کنار دادگاه های فوق می توان از دیوان حقوق بشر اروپا¹⁹ در «ستراسبورگ²⁰» و

دادگاه اروپایی اتحادیه اروپا²¹ در لوکزامبورگ نام برد.

در جوامع مدرن کنترل فقط توسط قوای سه گانه صورت نمی گیرد چرا که کنترل و بررسی رسیدگی به وظایف دولت توسط جامعه و ملت نیز انجام می پذیرد. رسانه های گروهی در این زمینه سمت نمایندگان مردم را دارند. مطبوعات و صدا و سیما هر دو طبق قانون اساسی دارای آزادی و استقلال می باشند.

دیگر نهادهای کنترل کننده «دیوان مالی²²» و «دادستان عمومی²³» هستند. دیوان مالی وظیفه بررسی رفتار و اعمال همه اشخاص حقوقی در سطح فدرال، ایالات و حوزه ها را به عهده دارد. یکی از وظایف دادستان عمومی کنترل اجرای قوانین در رابطه با نابسامانی های موجود است و در کل این نهاد رسیدگی به شکایات و پیشنهادات افراد شخصی که هیچگونه راه قانونی برای دست یافتن به حقوق خود را ندارند عهده دار است.

حقوق بشر چنانچه در EMRK قید شده اند دارای ارزش والایی است و به این امر تمامی دادگاه های کشور و احزاب واقفند و آن را مسئولیت سنگین خود می شناسند چرا که یکی از حقوق مهم در این مجموعه حق داشتن زندگی خصوصی و عدم دخالت دولت در آن می باشد.

سیستم احزاب

«جناح های» سیاسی که در قرن 19 بوجود آمدند و تا دهه شصت قرن بیستم همچنان ادامه داشتند، دارای افکار و ایدئولوژی مختص به خود و دارای هویت و سازماندهی مشخصی

بودند. روابط این گروه ها بخصوص در زمان میان دو جنگ جهانی بسیار آشفته و معشوش بود.

رهبران و پیروان این جناح ها، چه محافظه کاران مسیحی، چه سوسیال دمکرات ها و یا آلمانی های ملی مدت های مدیدی بدون هیچگونه تغییری در کشور اتریش فعالیت می کردند.

برای زمان بعد از جنگ یعنی از سال 1945 تا دهه 60 می توان گفت که اتریش 2 حزب بسیار قوی چون حزب ÖVP و حزب SPÖ که با هم بیش از 90% از آراء را به خود اختصاص می دادند و دارای جایگاه تثبیت شده ای بودند، داشته است.

گسترش و گوناگونی مسائل مختلف آن دوران و پیشرفت زمینه های خدماتی و سیاسی همچون مسئله حفظ محیط زیست منجر به تغییرات و دگرگونی های بسیاری در احزاب اتریش شد.

در دهه 80 احزاب اتریش از لحاظ کمیت و کیفیت متون و مفاهیم حزبی بسیار تغییر کردند که این امر منجر به ایجاد دو قطب عظیم سیاسی (ÖVP-SPÖ) شد و هم اینک بر طبق انتخابات اکتبر سال 1990 سه حزب (ÖVP-SPÖ-FPÖ) نسبتاً با یکدیگر برابر و یک حزب کوچک سبزها (Die Grünen) در کشور وجود دارند.

طبق قانون احزاب مصوبه سال 1975 هم اینک بیش از 400 حزب در قسمت ویژه احزاب وزارت کشور ثبت شده اند ولیکن تعداد احزاب مؤثر در سیاست اتریش بسیار محدود است که می توان به ترتیب اهمیت چنین از آنها یاد کرد:

• حزب سوسیال دمکرات ها اتریش SPÖ
<http://www.spoe.at>



• حزب آزادی اتریش FPÖ
<http://www.fpoe.at>



• حزب خلق اتریش ÖVP
<http://www.oevp.at>



• حزب سبز Die Grünen
<http://www.gruene.at>



نهادهای و سندیکاهای صنفی

یکی از ویژگی‌های شاخص حکومت و سیاست اتریش در سطح بین‌المللی وجود نفوذ اصناف، سندیکاهای و نهادهای است از این جمله می‌توان از کانون پزشکان، کانون وکلا، کانون محضرداران و کانون امنا و مقیمین نام برد. توسعه و پیشرفت چشمگیر اقتصادی و کاری دهه 50 و 60 موقعیت مناسبی برای تبادل عقاید و ایده‌های سیاسی اقتصادی و سیاسی اجتماعی بوجود آوردند. نهادهای اجتماعی در قانون اساسی و در دیگر قوانین قید نشده‌اند ولیکن این کانون‌ها و نهادهای نقش بنیادی در سیاست و تصمیم‌گیری‌های مردم‌پیرامون سیاست دارند به همین دلیل بسیاری از اوقات از فعالیت این نهادهای به عنوان «دولت‌های فرعی» انتقاد می‌شود.

نهادهای بزرگ راه های متعددی برای نفوذ در سیاست کشور دارند که از آن جمله می توان وابستگی به احزاب بزرگ کشور همچون SPÖ و ÖVP را نام برد و این کانون ها چه از طریق رسمی و چه غیررسمی با وزرای مربوط در تماس هستند. یکی از مواردی که دال بر نفوذ این سازمان ها دارد، حضور متخصصین و نمایندگان این نهادها در جلسات «شورای ملی» و شوراهای دیگر است.

اتریش به عنوان يك عضو اتحادیه اروپا

در دهه 80 روز به روز مسئله انطباق²⁴ اتریش در اروپا اهمیت بیشتری می یافت تا آنجا که در سال 1989 شورای ملی با حداکثر آراء به مذاکره با بازار مشترک رای داد و در ژوئیه 1989 درخواست ورود به بازار مشترک از طرف اتریش صادر شد.

مذاکرات ورود و رفراendum

قبل از شروع مذاکرات لازم برای ورود احتمالی اتریش به بازار مشترک در بهار 1993 احتیاج به رأی مثبت کمیسیون اروپا AVIS بود. برای حل بعضی مسائل داخلی تغییراتی در قانون اساسی رخ دادند چرا که در بعضی از موارد قوانین اتحادیه اروپا با اصول اتریش مطابقت نداشت برای مثال طبق قانون اساسی، قوه مجریه از قوه مقننه کاملاً جداست، در صورتیکه در سطح اتحادیه اروپا EU قوه مقننه تا حدی در دست قوه مجریه ملی است. از طرف دیگر در قوه مقننه نیز تغییراتی به وقوع پیوست و به علت «حق تفسیر قوانین» دیوان

عالی اروپا، دیوان عالی قانون اساسی محدود شد. همچنین اصل حکومتی-ایالتی نیز تغییر کرد چرا که با ورود اتریش به اتحادیه اروپا تقسیم قدرت سیاسی بین فدرال و ایالات نیز دگرگون شد. با توجه به موارد فوق و با نظر به تغییرات وارده در قانون اساسی اتریش، دولت مجبور به برگزاری همه پرسی گردید. طی انتخابات 12 ژوئن 1994 قریب 4725000 رأی معتبر داده شد که حدود 66/4% آن رأی موافق با ورود اتریش به اتحادیه اروپا EU بود.

شرکت اتریش در سازمان های اتحادیه اروپا

به عنوان يك عضو اتحادیه اروپا، اتریش در تمام نهادها و سازمان های اتحادیه اروپا EU نماینده دارد با این احتساب اتریش دارای 21 نماینده در پارلمان اروپا است. تناسب نمایندگان فعلی اتریش در پارلمان اروپا به نسبت احزاب موجود در کشور مبنی بر انتخابات 13 ژوئن 1999 می باشد که در طی این انتخابات SPÖ موفق به کسب يك نماینده بیشتر شد و به همین دلیل تعداد نمایندگانش برابر تعداد نمایندگان ÖVP است. تعداد نمایندگان حزب سبز نیز ارتقاء یافت در صورتیکه دو حزب دیگر یعنی حزب FPÖ و LF شکست خوردند تا آنجا که LF دیگر در پارلمان اروپا نماینده ای ندارد. از افراد مهم اتریشی می توان از «فرانتس فیشر²⁵» مسئول کمیسیون اروپایی کشاورزی و توسعه فضای روستایی نام برد. دیگر اتریشی ها نیز همچنین در دیوان مالی و دیوان قضایی اروپا شاغل می باشند. قابل ذکر است که اتریش

از ژوئیه 1998 تا 31 دسامبر 1998 سمت ریاست اتحادیه اروپا را بر عهده داشت.

پارلمان، ایالات و قوه قضائیه پس از ورود به اتحادیه اروپا

پس از ورود اتریش به «اتحادیه اروپا» سعی بر آن گردید که از پیامدهای منفی ناشی از آن جلوگیری گردد. در تغییرات قانون اساسی سال 1994 قید شده است که نمایندگان اتریش در شورای وزراء EU وظیفه تبعیت از قوانین پارلمان اتریش را بر عهده دارند. ولیکن این تغییرات در عمل هیچگونه نقشی در جلوگیری از تضعیف پارلمان در برابر قوه مجریه که پس از ورود به EU بسیار مقتدرتر شده بود، ننمود. حوزه ها، مناطق و ایالات اتریش نیز که «حق دخالت» در امور EU را دارند در اجرا با مشکلاتی مواجه هستند.

موقعیت اتریش در سطح جهانی

بیطرفی، پیمان های بین المللی و سیاست خارجه
برخلاف جمهوری اول اتریش، این کشور بعد از سال 1945 موفق به کسب هویت سیاسی و کشوری مستحکمتری در سطح جهانی شد.
در 26 اکتبر سال 1955 «شورای ملی» بیطرفی دائمی اتریش را اعلام کرد. البته به مرور زمان به وضوح مشهود بود که بیطرفی برابر با انزوا و پامیانه روی بین غرب و شرق نیست. چرا که وابستگی سیاسی این کشور به کشورهای دمکرات غربی کاملاً محسوس بود.

بعد از امضاء قرارداد کشور در وین در ماه مه 1955 و اعلام بیطرفی دائمی اتریش در اکتبر 1955، در پایان همان سال این کشور توانست وارد UNO یعنی سازمان ملل متحد بشود و در سال 1956 وارد شورای اروپا گردید.

در سال 1960 اتریش عضو «جامعه بازرگانی آزاد اروپا»²⁶ شد. دهه هفتاد اوج موفقیت اتریش در سازمان ملل متحد بود چرا که سرشناسان اتریش بسیاری از مناصب مهم را از آن خود کرده بودند.

از 1973 تا 1974 اتریش عضو غیردائمی شورای امنیتی سازمان ملل بود و در سال 1971 «کورت والد‌هایم»²⁷ دبیر کل سازمان ملل شد.

در سال 1972 معاهدات بازرگانی بسیاری با بازار مشترک امضاء شد. از آنجائیکه اتریش همیشه به نوعی چهار راه سیاسی و فرهنگی جهان بوده است، در آنجا در سال 1961 «جان اف. کندی» و «نیکیتا خروشچوف» نیز با یکدیگر دیداری بعمل آوردند. اتریش مقرر سازمان های بین المللی متعدد می باشد و در عملیات «پیس کیپینگ»²⁸ - حفظ صلح- نیز شرکت کرد.

اتریش با «سیاست بیطرفی فعالانه» خود چنانکه در دهه هفتاد تحت دولت «برونوکرایسکی» متداول گردید در زمینه دیدارهای دیپلماتیک و بخصوص در سازمان ملل، برقراری آرامش بین غرب و شرق، اختلافات بین شمال و جنوب، بسیار فعال بود.

وین مقرر «سازمان جهانی انرژی اتمی» IAEA و «سازمان توسعه صنعتی سازمان ملل UNIDO نیز می باشد.

همچنین اتریش از ابتدا در «کنفرانس امنیت و همکاری اروپا» KSZE شرکت کرد. این کشور با همکاری کشورهای دیگر غیرمتعهد، معاهده (N+N) را تشکیل داد.

در دهه هفتاد جهت یابی سیاسی جدیدی در اتریش شکل گرفت که ناشی از اصل انطباق و ورود به بازار مشترک بود.

در طی اغتشاشات یوگسلاوی، اتریش اصرار بر به رسمیت شناختن اسلوانی و کرواسی می کرد و ارتباط سیاسی و اقتصادی بسیاری با آنها برقرار نمود.

بسیاری از اتریشی ها مسئولیت مدیرکلی «شورای اروپا» را داشته اند که می توان از وزیر امور خارجه سابق «دکتر لویو تونچچ-سورینیچ»²⁹ بین سال های 74-1969، «فرانتس کاراسک»³⁰ بین سال های 84-1979 و یا «دکتر والتر شویمر»³¹ که از سال 1999 به این کار اشتغال داشته اند، نام برد. «پتر لویپرشت»³² که از سال 1961 کارمند شورای اروپا بوده است، در سال 1993 به سمت معاونت مدیرکل این سازمان انتخاب شد. در هشتم و نهم اکتبر 1998 اجلاس شورای اروپا در وین برپا شد.



کنفرانس IAEA در وین

در زمینه معاهده خلع سلاح و جلوگیری از گسترش سلاح های کشتار جمعی اتریش در «معاهده اتاوا» قدم های بسیار برداشته تا آنجا

که در اول مارس 1999 پیمان ممنوعیت مطلق مین های ضد نفر را امضاء کردند. نقش بین المللی اتریش در دهه نود همچنین در موارد ذیل شایان توجه است:

• عضویت شورای امنیت UNO در زمان جنگ خلیج و اغتشاشات یوگسلاوی بین سال های 91-92

• عضویت شورای حقوق بشر UN برای آخرین بار در سال های بین 99-97

• ریاست سازمان امنیت و همکاری اروپا OSZE در سال 2000

مقر سازمان های گوناگون بین المللی همچون سازمان های ویژه سازمان ملل، اپک و دفتر نمایندگی OSZE، دفتر کمیته توقف آزمایش های هسته ای همه جانبه، دفتر غیردائم تکنیک و دفتر «واسنار آرئجمنت»³³ که هدفش کنترل صدور اسلحه و ماشین ها ی ویژه تولید این اسلحه است، در این شهر می باشند.

همچنین دفترهای سازمان کنترل مواد مخدر و جلوگیری از جنایت سازمان ملل، دفتر بررسی نژادپرستی و بیگانه ستیزی اروپا که وظیفه اش آنالیز، بررسی و صدور سفارش ها پیرامون «پدیده های نژادپرستانه» و بیگانه ستیزانه است، در وین قرار دارد.

سیاست امنیتی

بیطرفی سیاسی اتریش در چند دهه گذشته انعطاف پذیرتر شده است و حتی تا حدی تغییر

کرده است. برای مثال صدور اجازه عبور و پرواز در حریم اتریش برای عملیات ضد عراقی در طی جنگ خلیج سال 1991 با قوانین بیطرفی «لاسه» 1907 مطابقت نمی کرد. تغییرات وارده دیگر:

- ورود به اتحادیه اروپا (1995)
 - سمت ناظر در اتحادیه اروپای غربی (1995)
 - امضاء قرارداد آمستردام (1998) که شامل وظایف معاهده پترزبورگ و سیاست مشترک تدافعی می شود.
 - شرکت اتریش در برنامه انتقال «³⁴IFOR» و «³⁵SFOR» در بوسنی
 - همکاری برای صلح ناتو
 - «نوریکوم»: فروش اسلحه به ایران در جنگ ایران و عراق
- با اتمام اختلافات بین شرق و غرب، ممنوعیت عقد پیمان نامه های نظامی و استقرار قوای بیگانه در اتریش همچنان به جای مانده است. عدم عضویت در ناتو NATO دارای امتیازات بسیاری است چنانکه در سال 1999 به عنوان یک کشور غیر عضو در «کوزوو» فعالیت های فراوانی داشت.
- با تمام فشارهای وارده برای ورود اتریش به «اتحادیه اروپای غرب» WEU³⁶ در اتحادیه اروپا EU، این کشور به همراه دیگر کشورهای بیطرف از عقاید خود دفاع کردند چرا که آنان این نظر را داشتند که EU احتیاج به «پیمان نامه نظامی» جدیدی ندارد.

اتریش قصد شرکت در قرارداد آمستردام یعنی رسیدگی به وظایف انسانی، برقراری صلح و کمک رسانی در نابسامانی های جهانی را دارد. در طی «بیانیه شورای اروپا پیرامون تقویت سیاست امنیتی و دفاعی مشترک اروپا» که در شهر کلن در سال 1999 صادر گردید، چنین عنوان شد که همه اعضاء EU (چه بیطرف، چه نا متعهد و چه عضو NATO) در تمامی مسائل حول اتحادیه اروپا دارای حق برابرند.

اتریش از مدتها پیش در فعالیت ها و عملیات حفظ صلح شرکت فعال داشته تا آنجا که از سال 1960 به بعد بیش از 40000 نفر پلیس، سرباز و افراد شخصی به سی کشور جهان اعزام کرده است. از این قبیل می توان از کلاه آبی های اتریش در سازمان ملل نام برد که تا چندی پیش در قبرس حافظ صلح این کشور بودند.



کلاه آبی های اتریش در سازمان ملل

Verfassungsrecht	1
Bundesverfassung	2
Verfassungsgesetze	3
Sepp Straffner	4
Verfassungsgerichtshof: دیوان عالی قانون اساسی	5
Bundesversammlung	6
Bundesrat	7
Sozialpartner	8
Rollenverzicht	9
Landtag	10
Landeshauptmann	11
Landesrat	12
Verfassungsgerichtshof	13

Verwaltungsgerichtshof	14
Schöffengericht	15
Geschworenengericht	16
Europäische Menschenrechtskonvention	17
Oberster Gerichtshof	18
Europäischer Menschenrechtsgerichtshof	19
Strassburg	20
Europäischer Gerichtshof der EU	21
Rechnungshof	22
قابل به ذکر است که در اتریش دو نوع دادستان Staatsanwaltschaft و دادستان عمومی	23
و وجود دارد دادستان کشوری: Volksanwaltschaft	23
Integration	24
Franz Fischler	25
EFTA Europäische Freihandelsassoziation	26
Kurt Waldheim	27
Peace Keeping	28
Luja Tancic Sorinj	29
Franz Karasek	30
Walter Schwimmer	31
Peter Leuprecht	32
Wassenaar Arrangement	33
Implementaion Force(IFOR)	34
Stabilisation Force	35
Westeuropäische Union	36